



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۱۳

محمد ولی آریا

وقتی دیکتاتور ها می جنگند، ملت ها می بازند

باز آتشی بر خرمن هستی ملل آسیای غربی افتاد و خود کامگان جهان با پشتاره ای از مجرمیت های حقوقی، استبداد ضد بشری و انسدادهای عمران ملی، به جان هم افتادند تا عدم شایستگی سیاسی و داغ های سیاه دامان خویش را در زیر آوار آتش و خون و خاکستر جنگ های نا فرجام و غیر عادلانه پنهان کنند.

نخست رژیم خود باخته و دیکتاتوری نظامی پاکستان که چون غریق نیمه جان در بحران اقتصادی، و موج شورش های آزادیخواهی پشتون و بلوچ، و وابستگی خفقا انگیز به استعمار جهانی، دست و پا می زند و چاره منطقی ای در رهایی از این مخصصه چند بُعدی نمی یابد، به اصطلاح « آب تا گلو بچه زیر پای » به جان فرزند ناخلف خویش، رژیم دیکتاتوری تک حزبی طالبان افتاد. چه از ناتوانی سیاسی و عدم مشروعیت حقوقی و انزجار ملی رژیم بی سر و پای طالبان مطلع است، زیرا خود آنرا ساخته است، تا از یکطرف بی کفایتی خویش را در حفظ ثبات سیاسی در قلمرو استثماری خود پرده پوشی کند. و از جانب دیگر دساتیر استعمار جهانی را در دامن زدن به اغتشاش منطقه ای تعمیم و اجرا نماید. همان است که با طالبان ناتوان اعلان جنگ می دهد؛ اما به جای حمله به رهبران دستگاہ سیاسی و نظامی طالبان، بر کلبه های گلین ملت فقیر و بی دفاع افغانستان حمله میکند و صدها زن و مرد و کودک بیگناه را شهید می سازد.

طالبان نیز از این از آب گل آلود، ماهی می گیرند. تا این حملات خشن رژیم پاکستان را وسیله ای برای نمایش معصومیت سیاسی خود در برابر یک تجاوز تسجیل کنند، و از طرف دیگر احساسات ضد تجاوز خارجی ملت افغانستان را در پیکر نامشروع خویش متراکم سازند. و از طرفی عدم کفایت خود را در عدم واگذاری حقوق بشری به ملت افغانستان، خاموش و پنهان نمایند.

در نزدیکی این عرصه، خود کامگان دموکراسی فروپاشیده ایالات متحده با دیکتاتور نسل کش اسرائیلی که هردو تا محکومیت جزایی قدمی فاصله دارند با بهانه نجات ملت ایران از قید دیکتاتوری تا دندان مسلح آن کشور از یک طرف، و تخریب تأسیسات اتمی این کشور از سوی دیگر، بر ایران تاختند. رژیم تبعیض طلب دیکتاتوری اسرائیل که مترصد بود تا رژیم دیکتاتور ایران پای کج نهد تا او ماهیت ضد بشری خود را در دود انفجار های هیبتناک پنهان کند، بر ایران بی محابا حمله برد.

رژیم ایران که حاکمیت را از شاه خون آشام پهلوی به ارث برده است، ۴۷ سال است بر جان و مال و ایمان ملت ایران حکومت می کند در طول این مدت، تمام ثروت ملت ایران را خرج ساختن جنگ افزار ها و تربیه یک ژاندارم ملت کش نموده است که حلقوم مردم ایران را در پنجه استبداد مذهبی و بحران روز افزون اقتصادی می فشارد که در آخرین وقایع تقاضای مردم را برای بهبود وضع اسفناک اقتصادی، با گلوله جواب گفت و هزاران نفر از نا راضیان دادخواه و متظلم را بر روی جاده ها به گلوله بست و به خاک و خون غلتاند.

رژیم دیکتاتور ایران که بر حفظ یورانیوم غنی شده خویش به قیمت بریادی و کشتار ملت ایران توسط یک قوای متجاوز و توسعه جوی جهانی پای می فشارد، اکنون کشور ایران را در زیر بمباران بهانه جویان توسعه جوی جهانی به ویرانه ای مبدل کرده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

چنان انتظار می رفت که حاکمیت سیاسی ایران یا قبل از شروع جنگ و یا بعد از قتل رهبر آن ، یک موضع هوشیارانه اتخاذ کند و یک حکومت عبوری تعیین نماید و به خواست ملت ایران وقعی بگذارد و وعده یک رژیم دموکرات و انتخابات مردم سالارانه را از طریق تمکین به آرای ملت بدهد و بهانه ها را ناکام کند، تا اگر از یک طرف دشمنی تمام رژیم های وابسته غرب را دامن زده است حد اقل از جانب دیگر حمایت ملت را در این بحران آتش زای کنونی کسب می کرد، که نکرد؛ بر خلاف با همان شیوه دیکتاتوری کهن، فرزند رهبر کهن ایران را به کمک نظامیان و روحانیت سیاسی بر کرسی نشاند که هیچ کس نمی داند معیار و محک این تقرر چه بوده است . رژیم ایران با این شعار که اگر من از صحنه می روم بهتر است هیچ کسی در جهان زنده نباشد، دل پر از آتش خود را بر سر رژیم های ستمگر و خود کامه اجیر غرب در شرق میانه خالی می نماید.

تداوم این جنگ و مصارف کمر شکن و خسارات مالی و جانی ناشی از آن، اوضاع را به طرف وخامت غیر قابل تحملی برای طرفین این جنگ برده است که دوام این جنگ و سردر گمی نظامی ، اقتصادی و سیاسی آن، این خطر را دامن می زند که رژیم توسعه جوی اسرائیل به بهانه انهدام تأسیسات اتمی ایران، بخواهد به یک فتح فاسد و زود فرجام برسد و داشته های اتمی خود را بر سر مردم ایران ببارد، که در حقیقت در همه جا ستمگران ملی آتش جنگی را روشن کرده اند که هیزم آن ملت ها هستند. بلی در تمام این جنگ های بی دلیل و بی نتیجه فقط ملت های این مستبدین مشهور هستند که به گونه هائی با جان و مال خود قربانی می دهند.

چنان می نماید که این مقطع تاریخ کنونی جهان صرفا میدان نبرد خودکامگان است و دیگر ما جنگ عادلانه ای را برای آزادی و رهایی ملی نمی بینیم. به اوکراین برباد شده نظر افکنید، چهار سال است که ملت های اوکراین و روس در بحر بلند پروازی های رهبران خود کامه مکار می سوزند و کشور مستعد و آباد اوکراین کنون ویرانه ای بیش نیست، اگر کمی به عقب برگردیم و به جنگ امریکا با عراق نگاه کنیم، باز رژیم های خود کامه حریص را رو بر روی هم می بینیم که کشور و ملت عراق را به خاک سیاه نشانند، تجاوز اول ایالات متحده به افغانستان به بهانه سرکوب رژیم مستبد طالبان و بالاخره بعد از تنبیه طالبان و استقرار دو باره آنها بر حاکمیت ملت افغانستان، مثال دیگری از بازی خود کامگان جهانی با سر نوشت ملل است، که لیبیا مثال دیگر است . اگر چه ماهیت نهادین این تهاجمات همانا حرص سیری نا پذیر است؛ مگر بهانه های این شر افکنی فرق می کند؛ اما در ماهیت، همه از حرص و قدرت پرستی خود کامگان ریشه می گیرد، و بسیار عجیب است که این دیکتاتوری های خود کامه که ملت های خود و دیگران را به آتش می کشند و بالاخره با افتضاح و رسوایی تخت و بخت شان فرو می ریزد و جز مذمت نکوهش تاریخ و ملامت ملی با خود نمی برند، اگر مدتی قبل از سرنگونی، به حقوق سیاسی و بشری ملت ها تمکین کنند و زمینه حاکمیت حقیقی ملت ها را با توسل به آرای ملی مساعد سازند و دروازه عدالت اجتماعی را بر رخ ملت ها بگشایند، دیگر هیچ کسی و هیچ قوه خود کامه ای بر آنها بهانه تجاوز نخواهد یافت؛ اما دریغ که این خود پرستان دیکتاتور قد و نیم قد، تا همه چیز را در اطراف خود برباد نکنند، به حقوق سیاسی ملت ها تمکین و اعتراف نمی کنند، و خود کامگان جهانی که چون لاشخواران مردار، این ستمگران صغیر را می پایند تا دست از پا خطا کنند، و آنها بر هستی و حیات آنها چون سیل ویرانگر فرود آیند.



[مطالب دیگر نشر شده محترم محمد ولی آریا اینجا کلیک کنید.](#)